

امالهُ پایانی در کلمات دخیل عربی در متون کهن فارسی

۱۸۷-۱۹۸

چکیده: در این مقاله با بررسی شواهدی از امالهُ پایانی (ساده سازی توالی عربی آغازینی *ayV به e در پایان کلمه) در کلمات عربی دخیل در متون کهن فارسی، و مقایسه آن‌ها با برخی گویش‌های تاریخی عربی نشان می‌دهیم که امالهُ پایانی در این شواهد نشان‌دهنده ویژگی گویشی عربی، غیر عربی کلاسیک، موسوم به «عربی فتوحات اسلامی» است. ما به پیروی از تحقیقات احمد الجلال (Al-Jallad 2017; 2020) و مارین فان پوتن (Marijn van Putten 2021) که به ترتیب گویش عربی فتوحات شام و مصر را بررسی کرده‌اند، «عربی فتوحات» وارد شده به ایران را «شاخه ایرانی عربی فتوحات» نامیده‌ایم و سعی کرده‌ایم که جایگاه آن را از منظر «امالهُ پایانی» در بین گویش‌های تاریخی عربی مشخص کنیم. در نهایت نشان داده‌ایم که گویش عربی فتوحات ایران در زمینه امالهُ پایانی شباهت بسیار زیادی با گویش فتوحاتی شام و مصر دارد. هرچند براساس شواهدی از اشعار کهن و نیز گزارش سیبویه از گویش‌های عربی به نظر می‌رسد گونه‌هایی از شاخه ایرانی عربی فتوحات، رفتاری کهن‌گرا داشته‌اند و به جای امالهُ پایانی، توالی عربی آغازینی *ayV را به صورت مصوت مرکب «ay» حفظ کرده‌اند.

کلیدواژه: عربی فتوحات، عربی کلاسیک، عربی در فارسی، برخورد زبانی، امالهُ

این مطلب پیش از این در کنار چند بحث دیگر در مقاله‌ای از نگارنده مطرح شده است (طبیب‌زاده ۱۴۰۰)، اما در این مقاله با تفصیل و تمرکز بیشتری به آن پرداخته‌ام. در اینجا لازم می‌دانم از استاد ارجمندم جناب آقای دکتر مارین فان پوتن (Marijn van Putten) تشکر کنم که کتاب ارزشمندشان (Van Putten 2022) را پیش از انتشار در اختیار بنده قرار داده و بنده را همواره از راهنمایی‌های بی‌دریغشان در مسائل تاریخی زبان عربی بهره‌مند ساخته‌اند.

Final imālah in Arabic loanwords in the early Persian texts

Arya Tabibzadeh

Abstract: This paper deals with “final imālah” (technically: the construction of the proto Arabic sequence *ayV into ē in word final position) in the Arabic loanwords in the early Persian texts. It has been shown that final imālah in many Arabic loans in the Persian texts reveal that they are borrowed from “the Arabic of the Islamic conquests” (hence IcAr), a post Islamic and non-classical Arabic variety described by A. Al-Jallad (2017; 2020) and Marijn van Putten (2021). However, based on the fact that the imalah has been an acceptable feature in the early Classical Arabic (or the “non-textbook Classical Arabic” as called by Phillip Stokes) it has been preserved as a prestigious feature during the next centuries in Persian text. It has also been shown that final imālah in the Iranian variety of the IcAr is identical with Levantine and Egyptian varieties. In some cases from the early poetry however the final *ayV is retained as a final diphthong (ay) similar to some Arabic dialects reported by Sibawayh. It can be concluded that in some archaic Iranian IcAr varieties the final *aya was not collapsed to ē, and rather they were retained as final diphthongs.

Keywords: Arabic Conquests, Classical Arabic, Arabic in Persian, Linguistic Interaction, Imālah

الإمالة في أواخر الكلمات المستعارة العربية في النصوص الفارسية القديمة
أريا طيب زاد

الخلاصة: بينت هذه المقالة من خلال بحثها في بعض أمثلة الإمالة في أواخر الكلمات المستعارة العربية في النصوص الفارسية القديمة، ومقارنتها مع بعض اللهجات العربية القديمة، أن الإمالة في هذه الأمثلة، هي خصيصة لهجة عربية سوى العربية الكلاسيكية، لهجة من اللهجات التي سماها العلماء الغربيون بعربية الفتوحات الإسلامية.

وقد سميت هذه اللهجة، في هذه الدراسة، بالفرع الإيراني من العربية الفتوحاتية، وفقاً لدراسات أحمد الجليل (Al-Jallad 2017; 2020) وماغين فان بوتين (Marijn van Putten 2021) اللذان قاما بتحليل اللهجات العربية الفتوحاتية في الشام والمصر على التوالي. مع ذلك، استناداً إلى حقيقة أن الإمالة كانت خصيصة مقبولة في العربية الكلاسيكية المبكرة (أو «العربية الكلاسيكية غير المدرسية» كما أطلق عليها فيليب استوكس (Stokes 2022))، فقد تم الحفاظ على مكانتها المرموقة خلال القرون التالية في النص الفارسي. سعت هذه الدراسة إلى تعيين مكانة الفرع الإيراني بين اللهجات العربية القديمة، بناءً على خصيصة «الإمالة في أواخر الكلم». في النهاية بان أن الفرع الإيراني من اللهجات الفتوحاتية يشبه اللهجات الفتوحاتية في الشام والمصر كثيراً من جهة الإمالة في أواخر الكلم. مع ذلك -بناءً على بعض البنات من الأشعار القديمة الفارسية وعلى تقرير السيبويه عن اللهجات العربية- يوضح أيضاً أن بعض أنواع من الفرع الإيراني من عربية الفتوحات تحافظ على توالي «*Vya» من العربية البدائية، بصورة «ya»، بدلاً من الإمالة في أواخر الكلم.

المفردات الأساسية: عربية الفتوحات، العربية التقليدية، العربية الفارسية، التفاعل اللغوي، الإمالة.

تقدیم به استاد ارجمندم، جناب آقای دکتر وحید عیدگاه طریقه‌ای

به پاس تالیف کتاب ارزشمند تلفظ در شعر کهن فارسی

که در این مقاله از آن بسیار استفاده کرده‌ام

مقدمه

با مطالعه متون کهن فارسی و با بررسی قوافی اشعار و ویژگی‌های املائی نسخه‌های خطی کهن فارسی می‌توان به راحتی دریافت که کلماتی مثل دنیا، مأوی، ضحی، سلمی و... که در عربی کلاسیک معیار، در حالت بی‌نشان، با مصوت پایانی *-ā* تلفظ می‌شوند (... *salmā, mawlā, dunyā*)، در این متون در موارد زیادی با مصوت پایانی *-ē* تلفظ می‌شده‌اند (برای مثال به صورت *dunyē, mawlē, salmē, ...*؛ مثال‌های متعدد و بسیار خوبی را عیدگاه طریقه‌ای (۱۳۹۹، ۵۶۵-۵۷۶) به دست داده است). محققان همواره این مثال‌ها را مصداق پدیده «اماله» دانسته‌اند و آن را به معنای ظهور مصوت *-ē*، به جای مصوت *-ā* (مطابق عربی کلاسیک معیار)، در کلمات عربی در نظر گرفته‌اند (از میان دیگران ر. ک. عیدگاه طریقه‌ای همان).

«اماله» به معنای «میل دادن» مصوت *-ā* به *-ē* در آثار سنتی دست‌نویسان عربی به عنوان یک ویژگی واجی، یا صرفی-واجی مطرح شده است (Van Putten 2022: 24-28). تحقیقات جدید عربی دانان

۱ طبق تعریف مرسوم، عربی کلاسیک، گونه‌ای از عربی است که دست‌نویسان مسلمان در قرون دوم و سوم هجری در بصره و کوفه اولین بار قواعد آن را توصیف کردند و گونه به‌کاررفته در سنت شعر عروضی عربی و قرائات قرآن است (مثلاً ک. Birnstiel 2019). مهم‌ترین ویژگی این گونه، داشتن نظام فعال پایانه‌های تصریفی (شامل نظام پایانه‌های حالتی)، و عنصر دستوری تنوین است. در ماه‌های اخیر، با چاپ مقاله‌ای از فیلیپ استوکس (Stokes 2021) و کتابی از مارین فان پوتن (Van Putten 2022)، روشن شد که تلفظ عربی دانان غربی از عربی کلاسیک (که البته در ایران هم همین تلفظ رایج بوده است) مطلقاً با توصیف فوق از عربی کلاسیک سازگار نیست؛ بلکه تلفظ محققان معاصر از عربی کلاسیک برپایه معیارشده‌ترین شکل عربی کلاسیک است (که بخش زیادی از معیارشدگی آن پس از قرن سیزدهم هجری رخ داده است؛ ر. ک. Stokes ibid; Van Putten ibid: 15-45). در این تلفظ پدیده «اماله» پدیده‌ای غیرکلاسیک فرض می‌شود، حال آنکه این ویژگی هم در بعضی از قرائات هفت‌گانه قرآن وجود دارد، و هم در منابع دستوری متقدم، بدون هیچ توصیف منفی‌ای به عنوان یک ویژگی بسیار رایج در گویش‌های مختلف عربی توصیف شده است. در واقع ما یک «عربی کلاسیک» با همان تعریفی که در ابتدا آوردیم، داریم که برخلاف تلفظ مرسوم مطلقاً گونه‌ای یک دست نیست، و یک «عربی کلاسیک معیار» (یا به قول استوکس همان)، «عربی کلاسیک درسنامه‌ای» (Textbook Classical Arabic) که کاملاً یکدست و معیار شده است. توجه مطلق به «عربی کلاسیک معیار» و بی‌توجهی به «عربی کلاسیک» در ایران، سبب شده تا برای مثال، حذف بست چاکنایی را در کلماتی مثل ذیب (به جای ذب)، رای (به جای رأی)، بوس (به جای بؤس)، دایم (به جای دائم) و... در متون کهن فارسی، حاصل دستگاه واجی فارسی بدانند، در حالیکه تمام تلفظ‌های فوق در منابع عربی کلاسیک وجود دارد و اساساً نمی‌توانند ساخته دستگاه واجی فارسی باشند (در این باره ر. ک. طیب‌زاده ۱۴۰۰).

۲ در بعضی مآخذ عربی کلاسیک، مثلاً در توصیف سیبویه از اماله (السیبویه ۱۹۸۲، ۱۱۷-۱۴۴)، یا در قرائات قرآن (ر. ک. Van Putten 2022: 68-70)، اماله یک قاعده واجی معمول است، و از این رو نمی‌توان آن را یک ویژگی غیر «کلاسیک» تلقی کرد. براساس تلفظ این منابع از عربی فصیح، صورت ممال، گونه آزادی (free variation) است برای صورت غیر ممال، و کاربرد هر دو صحیح است. با تحول سنت دستوری ادبی و سعی در معیارسازی آن، گرایشی به سوی حذف «گونه‌های آزاد» و صحیح‌دانستن یک صورت واحد ایجاد شد و به همین دلیل ویژگی‌هایی مثل اماله و امکان حذف بست چاکنایی، تدریجاً به حاشیه رانده می‌شود (ر. ک. Van Putten 2022: 15-45). اگرچه چنین معیارسازی‌ای در مورد سنت دست‌نویسی عربی رخ داده اما منابع دیگر عربی

غربی نشان می‌دهد که آنچه در عربی کلاسیک «اماله» نامیده شده در واقع به‌طور عمده اشاره به دو فرایند کاملاً متفاوت واجی و تاریخی دارد:

افراشتگی مصوت افتاده a/\bar{a} در اثر همگونی در مجاورت با مصوت‌های افراشته i/\bar{i} (و نیز قرار گرفتن در برخی محیط‌های واجی دیگر) و تبدیل شدن به e/\bar{e} یا \bar{a}/\bar{e} ؛ مثلاً: rikāb > rikēb (Al-Jallad 2017; Al-Jallad and Vollandt 2020, 13-15; Van Putten 2021a; Van Putten 2022: 24-25).

ساده‌شدگی مصوت مرکب عربی آغازینی ayV * به صورت \bar{e} (و شاید در بعضی گویش‌ها \bar{a})، باقی‌ماندن آن به صورت ay در پایان کلمه، در بعضی گویش‌های کهن عربی (ر.ک: Van Putten 2017: 25-28; Al-Jallad and Vollandt 2020, 16; Van Putten 2022: 25-28)؛ مثلاً:

$tuqāyatv > *tuqāyat > *tuqāyah > tuqēh$

یا

$*ḥublay-u/a > ḥublē/\ḥublay$

نوعی از این ساده‌شدگی که در پایان کلمه رخ می‌دهد (مثل همان مثال «حُبلی» در بالا)، اماله پایانی (final ʔimālah)^۴ نامیده می‌شود، که موضوع اصلی مقاله حاضر است.^۵

توصیف سیبویه از اماله

سیبویه به‌عنوان دست‌نویسی که اولین و کامل‌ترین توصیف را از اماله به‌دست داده است (2007 Sarauw)، آن را به انواعی تقسیم می‌کند، و سعی می‌کند شرایط اعمال اماله و نیز شرایط منع اعمال آن را در کلمات توصیف کند؛ به عبارت دیگر سیبویه وقوع اماله را در هر حالتی ممکن نمی‌داند

کلاسیک مثل سنت‌های قرائات قرآن و حتی سنت شعر عروضی عربی چنین نبوده و این منابع در حفظ «فصاحت» بسیاری از این گونه‌های آزاد نقش بسیار مهمی داشته است (در این مورد ر.ک Stokes 2021)؛ از این رو بحث درباره عربی کلاسیک/فصحی در ادوار گذشته با پیچیدگی‌هایی همراه است زیرا فقط منابع دستوری در تعیین فصاحت موثر نبوده است.

۳ عربی آغازین (Proto Arabic)، اولین شکل از زبان عربی، و نیای تمام گویش‌های قدیم و جدید عربی است که محققان آن را با مقایسه گویش‌های مختلف عربی با هم و در چهارچوب مطالعات زبان‌های سامی آن را بازسازی می‌کنند (ر.ک Al-Jallad 2020, 8). براساس قراردادی که در مطالعات زبان‌های سامی وجود دارد، توالی مصوت کوتاه-غلت-مصوت کوتاه را یک مصوت مرکب از نوع سه‌تایی یا تریفتانگ (triphthong) می‌نامند که با تعریف کلی تریفتانگ در زبان‌شناسی همگانی متفاوت است (در زبان‌شناسی همگانی، تریفتانگ یک واج است؛ اما در مطالعات زبان‌های سامی، تریفتانگ می‌تواند توالی سه واج مستقل باشد؛ ر.ک Van Putten 2017). بنابراین در تریفتانگ عربی آغازینی «ayV»^{*}، «V» می‌تواند هر یک از مصوت‌های کوتاه u, i, a باشد.

۴ عبده‌گاه طریقه‌ای نیز در کتاب خود بخشی را با «بیا» مجهول پایانی اختصاص داده که بخش بزرگی از شواهد آن مربوط به اماله پایانی است (همان، ۵۶۵-۵۷۶).

۵ البته باید توجه داشت که «اماله» برای اشاره به این فرایند، لفظ صحیحی نیست و تنها برحسب عادت از آن استفاده می‌شود. در گونه‌های مختلف عربی مصوت مرکب عربی آغازینی «ayV»^{*} ممکن است به دو صورت «ā»^{*}، «ē» ساده‌شود؛ هر کدام از این دو مصوت، حاصل ساده‌سازی یک صورت کهن‌تر هستند و هیچ‌کدام لزوماً کهن‌تر از آن یکی نیست. بنابراین نباید گمان کرد که صورت ā اصل است و صورت «ē» از آن حاصل شده است.

(السیبویه 28-24: Van Putten 2022: 117-144، 1982). همچنین براساس توصیف سیبویه (همان) می‌توان دریافت که اماله در «حُبلې» (ḥublē؛ عربی کلاسیک معیار: ḥublā) یک مسئله صرفی-واجی بوده و نمی‌تواند با اماله در «کتاب» (kitāb>kitēb) که یک فرایند واجی ساده است یکسان باشد. این در حالی است که در بسیاری از تحقیقات عربی دانان و ایرانشناسان هرگونه ظهور مصوت ē در کلمات، بدون توجه به شرایط اعمال آن، فرایندی یکسان به نام «اماله» تلقی شده و سبب تحلیل‌های نادرستی در مورد تلفظ برخی کلمات عربی و حتی فارسی در متون قدیم شده است (در این مورد ر.ک. Al-Jallad 2014؛ طبیب‌زاده ۱۴۰۰).

ما در این مقاله ابتدا تحول «اماله پایانی» را از عربی آغازین، در گونه‌های کهن عربی، از جمله گویش‌های عربی باستان^۶، حجازی باستان (براساس متن همخوانی قرآن)^۷، عربی کلاسیک، و عربی فتوحات اسلامی^۸ توضیح می‌دهیم. سپس به بررسی این ویژگی در لغات عربی دخیل در فارسی، و مقایسه آن با گونه‌های تاریخی عربی می‌پردازیم. در نهایت نقش عربی کلاسیک و عربی فتوحات را در ورود و حفظ این ویژگی در لغات دخیل عربی بررسی می‌کنیم (برای بحث درباره اماله غیر پایانی، و چند تحول مرتبط با آن در لغات دخیل عربی در متون کهن فارسی ر.ک. طبیب‌زاده ۱۴۰۰).

تحول مصوت مرکب پایانی ay(V)* در عربی آغازین و تحول آن در عربی باستان، حجازی باستان (بر اساس متن همخوانی قرآن)، عربی کلاسیک، و عربی فتوحات

تحول مصوت مرکب پایانی ay(V)* در گویش‌های تاریخی عربی به سه صورت است: -ē، ay(V)- (یا -ā-، و -ā؛ هر سه صورت می‌تواند در گویش‌های مختلف دچار تحولات دیگری هم شود که به آن خواهیم پرداخت).

حفظ مصوت مرکب پایانی: در گویش کتیبه‌های صفائی (ر.ک: Al-Jallad 2015, 47, 50 121, 122؛ Van Putten 2017) مصوت مرکب عربی آغازینی کامل، یا با حذف نظام پایانه‌های تصریفی، به صورت دیفتانگ پایانی حفظ شده است. همچنین سیبویه دو بار در کتاب از اماله پایانی به شکل مصوت

۶ عربی باستان (Old Arabic) به مجموعه متون عربی پیش از اسلام اطلاق می‌شود (قصابید جاهلی که منسوب به شاعران پیش از اسلام است، جزء این مجموعه نیست)، ر.ک. Al-Jallad 2020, 23؛ Al-Jallad 2014.

۷ حجازی باستان (Old Hijazi) گویش منطقه حجاز پیش از اسلام است. یکی از مهم‌ترین منابع شناخت این گویش، متن همخوانی قرآن (Quranic Consonantal Text/QCT) است. متن همخوانی قرآن تقریباً معادل «رسم مصحف عثمانی» است که با مقایسه برخی از کهن‌ترین نسخه‌های قرآن می‌توان آن را بازشناخت (Van Putten 2017؛ Al-Jallad and Vollandt 2020, 59-60).

۸ عربی فتوحات اسلامی (Arabic of the Islamic Conquests) یا عربی متقدم اسلامی (Early Islamic Arabic) گویشی غیر کلاسیک از عربی، و گونه رسمی‌گفتاری و نوشتاری مشترک فاتحان مسلمان تا اواخر دوره اموی بوده است. این گویش ریشه در گویش حجازی باستان داشته است. برخی ویژگی‌های این گونه از عربی در لغات عربی دخیل در متون کهن فارسی دیده می‌شود و باید آن را در کنار عربی کلاسیک، به عنوان منبع دیگری برای اخذ لغات عربی در فارسی در نظر گرفت (ر.ک. طبیب‌زاده ۱۴۰۰؛ Al-Jallad 2017؛ Al-Jallad and Vollandt 2020, 65-66؛ Van Putten 2021a).

مرکب ay در بعضی گویش‌ها سخن گفته است (السیبویه همان، ۱۸۱، ۲۵۶؛ ر.ک: Rabin 1951, 116; Al-Jallad and Vollandt 2020, 67). در جدول شماره ۱ در زیر مثال‌هایی از گویش‌های فوق آورده‌ام که حفظ مصوت مرکب پایانی را نشان می‌دهند (کلمات درون جدول براساس عربی کلاسیک معیار: فتی، بنی، دوی، علی، حبلی، افعی، صوری، قلهی):

جدول شماره ۱

dwy [dawaya]		bny [banaya]	fty [patay]	کتیبه‌های صفائی
qalahay	ṣawaray	ʔafʔay	ḥublay	گزارش سیبویه

ساده‌سازی «*ayV>ē»: این شکل ساده‌سازی در گویش‌های ذیل دیده شده است: گویش عربی پاپیروس‌های پترا (قرن ششم میلادی؛ ر.ک Al-Jallad 2018)، حجازی باستان (براساس متن هم‌خوانی قرآن، ر.ک Van Putten 2017)، برخی گونه‌های عربی فتوحات در شام و مصر (Al-Jallad 2021; Van Putten 2017) و برخی گونه‌های عربی کلاسیک، مثل برخی قرائت‌ها از قرائت سبعة^۹ (Van Putten 2022: 68)، و برخی گونه‌هایی که دست‌نویسان متقدم همچون سیبویه، اماله را در آنها فصیح می‌دانند (ر.ک همان: ۲۶). در جدول شماره ۲ در زیر مثال‌هایی از گویش‌های فوق آمده است (کلمات درون جدول براساس عربی کلاسیک معیار: سفلی، احیا، یرضی، هدی، مولی، یحیی، یعلی، موسی، ضحی، سجی، قلی، هوئی، فتی، حبلی):

جدول شماره ۲

suffē			پاپیروس‌های پترا
yardē	hudē	ʔahyē	متن هم‌خوانی قرآن
yaʔlē	yaḥyē	mawlē	آوانگاری‌های عربی با الفبای یونانی در اسناد دیوانی قرن اول هجری در شام
mūsē	yaḥyē	mawlē	آوانگاری‌های عربی با الفبای قبطی در اسناد دیوانی قرن اول تا چهارم هجری در مصر
qalē	saḡē	ḍuḥē	قرائت کسائی
ḥublē	fatē	hawē	مثال‌هایی از الکتاب

نکته مهم در مورد عربی فتوحات مصر نشانه‌هایی از بروز تحول ثانوی ē>ā در مصوت ساده شده است، مثلاً: yaḥyā>yaḥyē (ر.ک Van Putten 2021a).

۹. البته باید توجه داشت که قرائت سبعة مطلقاً ویژگی گویشی قاریان را نشان نمی‌دهد. گونه‌های زبانی‌ای که قرائت سبعة نشان می‌دهند کاملاً برساخته و تصنعی است (در این مورد ر.ک Van Putten 2022: 76-79). در جدول نمونه‌هایی از اماله در قرائت کسائی از آیه ۱ تا ۳ سوره ضحی آورده‌ام؛ ر.ک

ساده‌سازی «*ayV>ā»؛ این شکل ساده‌سازی در گویش‌های ذیل دیده شده است: برخی گویش‌های پیش از اسلامی در شمال عربستان (برای مثال بعضی گویش‌های کتیبه‌های دَدانی (Dadanitic)؛ ر.ک. 48, Al-Jallad and Vollandt 2020)، عربی کلاسیک معیار، و بعضی گونه‌های عربی فتوحات (تا جایی که می‌دانیم در شام؛ همان، ۱۶ و ۴۸). در اینجا دو نکته را باید توضیح داد:

الف) نکته مهم در مورد عربی کلاسیک رسم الخط آن است. نظام نوشتاری عربی کلاسیک مبتنی است بر نظام نوشتاری قرآن. رسم الخط متن هم خوانی قرآن برای حجازی باستان طراحی شده است و استفاده از آن برای عربی کلاسیک نیازمند تغییراتی است زیرا بین حجازی باستان و عربی کلاسیک اختلافات بسیاری وجود دارد که مستقیماً نظام نوشتاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مثلاً براساس تحقیقات جدید عربی‌دانان غربی می‌دانیم که حجازی باستان گویشی فاقد تنوین و دارای نظام حالتی بسیار تقلیل یافته بوده و تا حد زیادی بست چاکنایی را از دست داده بوده است. هر کدام از این ویژگی‌های زبانی در شکل دادن به اصول نوشتاری متن همخوانی قرآن نقش بسیار زیادی داشته است (برای تفصیل بیشتر و معرفی مآخذ این بحث ر.ک طیب زاده ۱۴۰۰). در مورد امالۀ پایانی نیز تطبیق نظام نوشتاری متن همخوانی قرآن سبب ایجاد مفهوم «الف مقصوره» در نوشتار عربی کلاسیک شده است (Van Putten 2017). الف مقصوره به حرف «یا» اطلاق می‌شود زمانی که دلالت بر مصوتۀ کند، مثل کبری، عیسی، فتی و... (در حالیکه در حجازی باستان که متن همخوانی قرآن، تلفظ آن گویش را نشان می‌دهد، کبری و عیسی و فتی و... با مصوتۀ پایانی تلفظ می‌شده‌اند؛ ر.ک همان). همچنین برای رفع ابهام و خلط نشدن با کاربردهای عادی حرف «ی» الفی کوچک به صورت علامتی زیروبربری بر بالای آن می‌گذارند (که به آن الف خنجریه گفته می‌شود).^{۱۰}

ب) برای گونه‌های عربی فتوحات که ساده‌سازی مصوت مرکب پایانی عربی آغازین در آن‌ها مانند عربی کلاسیک معیار است، گویش قطعۀ مزبور دمشق (Damascus Psalm Fragment) را می‌توان شاهد آورد.^{۱۱} ویژگی زبانی مهم این متن، افراشته شدن مصوت افتادۀ a/ā است که فرایندی متفاوت با امالۀ نوع اول است. رخ دادن این افراستگی به طور سراسری بوده و مشروط به محیط‌ها آوایی خاصی نیست. تنها بعضی عوامل مثلاً مجاورت با صامت‌های مفخم (emphatic) و گلوئی (guttural) (به تعبیر سنتی «حروف مستعلیه»)، گاهی مجاورت با صامت‌های لبی، و نیز قرار گرفتن مصوت در هجای اول کلمه جلوی این افراستگی را می‌گیرد (ر.ک Al-Jallad & Vollandt 2020, 13-15)؛ مثلاً در *ʔaʔtaya>ʔaʔtā* به دلیل آمدن صامت مفخم ʔ قبل از مصوت، افراستگی رخ نداده است، اما در

^{۱۰} صورت‌های نوشتاری ای همچون «بنیها» (به جای «بناها»، در آیه ۵ سورۀ شمس)، که معمولاً برای نوشتن آیات قرآن به کار می‌رود کاربرد الف مقصوره در موضع غیر پایانی است.

^{۱۱} متنی متعلق به قرن سوم هجری در شام، که حاوی ترجمۀ قسمتی از مزامیر داود به عربی با الفبای یونانی است. تحقیق بسیار مهم احمد الجلال و رونوی فلانت (Al-Jallad & Vollandt) روی این متن نشان می‌دهد که گویش آن یکی از گونه‌های عربی فتوحات است

ʔatā>ʔatē >ʔatawa افزایش مصوت پایانی، پس از ساده سازی مصوت مرکب عربی آغازینی رخ داده است.

در جدول شماره ۳ در زیر، مثال‌هایی از گویش‌های فوق آورده‌ایم که تحول «*ayV>ā» را نشان می‌دهند

ʔzh [ʔuzzā]		کتیبه‌های ددانی	
gātṭā	*ʔatā>ʔatē	ʔaṭṭā	قطعه مزمور دمشق
[gātṭā] غطّی	[ʔatā] اتی	[ʔaṭṭā] اعطّی	عزّی [ʔuzzā]
		عربی کلاسیک معیار	

حال در اینجا سعی می‌کنیم جایگاه امالۀ پایانی را در متون فارسی بین سه دسته فوق پیدا کنیم.

ساده سازی *ayV در لغات عربی دخیل در فارسی

در لغات عربی دخیل در متون کهن فارسی، هر سه نوع تحول مصوت مرکب عربی آغازینی دیده می‌شود، به شرح ذیل:

الف) ساده سازی «*ayV > ā»: از آنجا که این تحول هم در بعضی گونه‌های فتوحاتی و هم در گونه‌های کلاسیک شاهد دارد، شاید هرگز نتوان درباره منبع اخذ لغات عربی دخیلی که دارای این نوع ساده سازی هستند با اطمینان صحبت کرد، اما در هر حال این صورت‌ها با معیار شدن عربی کلاسیک در ادوار بعدی، به احتمال زیاد از فصاحت بیشتری برخوردار شده‌اند. نمونه‌های ساده سازی به صورت مصوت پایانی ā در اشعار فارسی بسیار زیاد است و ما به آن نمی‌پردازیم (به عنوان مثال ر.ک کسایی ۱۳۷۵، ۶۵-۷۲).

ب) ساده سازی «*ayV > ē»: این تحول هم در بعضی گونه‌های کلاسیک و هم در بعضی گونه‌های فتوحاتی دیده می‌شود، اما با توجه به رواج بسیار زیاد آن در گویش‌های فتوحاتی^{۱۱}، و با توجه به اینکه در متون فارسی موارد بسیار روشنی از قرض‌گیری صورت‌های فتوحاتی وجود دارد (طیب زاده ۱۴۰۰)، به نظر نگارنده، بهتر است صورت‌های دارای این نوع ساده سازی را در لغات دخیل متون فارسی مأخوذ از عربی فتوحات بدانیم؛ البته که نقش گونه‌های کلاسیک دارای اماله را نیز در حفظ کاربرد آنها در فارسی باید قطعی دانست. در این جا چند نمونه از امالۀ پایانی در متون کهن فارسی با تلفظ ē می‌آوریم (شواهد بسیار خوب و متعدد دیگر را ببینید در عیدگاه طرّبه‌ای همان، ۵۶۵-۵۷۶):

منوچهری قصیده‌ای دارد با مطلع «بزن ای ترک آهوچشم آهو از سر تیری...»؛ او در این قصیده کلمات

۱۲ به نظر می‌رسد که اساساً ورود این نوع ساده سازی به دایره «عربی فصیح» در ادوار متقدم عربی کلاسیک، نیز ناشی از گستردگی آن در گویش‌های متقدم اسلامی بوده است.

«تیری» (تیر + به اضافه یاء نکره که تلفظ آن به صورت ē در میان محققان امری بدیهی است)، «نی» (ادات نفی، nē)، مانی (mānē) و... را با کلمات «کبری»، «لیلی»، «بلوی»، «سلمی» و... را هم قافیه کرده است. از این رو تلفظ کلمات عربی دارای الف مقصوره، با مصوت ساده پایانی (ē) ثابت می شود (منوچهری ۱۳۹۶، ۳۹۵-۴۰۳). منوچهری در چند قصیده دیگر هم همین تلفظ دارای مصوت ساده را استفاده کرده^{۱۳} مثلاً همان، ۳۸۷-۴۰۳؛ ۴۱۰-۴۱۲؛ ۴۱۳-۴۱۴. همچنین ر.ک ناصر خسرو (۱۳۵۷، ۴۶۷)؛ انوری (۱۳۶۴، ۱/۱)؛ ظهیر فاریابی (۱۳۸۰، ۳۳).

در رسم الخط قرآن پاک (تفسیر لاهور) شیوه بسیار جالبی برای نمایش یاء مجهول (مصوت ē) در کلمات فارسی وجود دارد، و آن استفاده از حرف ی با الف خنجر است (ی). این رسم الخط به خوبی نشان می دهد که کاتب متن الف مقصوره را نشان دهنده مصوت ē می دانسته است. نمونه هایی از این شیوه: «مپرسید» (Абдуллаева 2001, 254) «بشستی» (همان، ۲۵۶)، «بی عیب گاوئ» (همان، ۲۵۷). همین شیوه را در نگارش کلمه «دعوی» به کار برده که نشان می دهد تلفظ آن «dafwē» است (همان، ۲۵۲). در پایان، شاهی از فلهویات و شاهی از یک کتیبه پهلوی متعلق به دوره اسلامی ذکر می کنیم که به جهت تفاوت سنت متنی شان، شواهد ارزشمندی هستند:

۱) مصراع «یا و ماو ای پلنگان دلیر» (ترجمه: جا و ماوای^{۱۴} پلنگان دلیر) از فلهوی مرشد سیمینه (فیرزویخس ۱۳۹۰): به نظر نگارنده، «ماو» مبین تلفظ «*māwē>māwe» است. این تلفظ یک تلفظ کاملاً فتوحاتی است زیرا هم بست چاکنایی در آن ساقط شده (ر.ک طبیب زاده ۱۴۰۰) و هم دارای امالۀ پایانی است (شواهد جالبی از تلفظ این کلمه بدون بست چاکنایی را عیدگاه طرهبه ای (همان: ۳۰۳) به دست داده است اما این شواهد فاقد امالۀ پایانی است).

۲) کتیبه برج رادکان غربی: املاي «mwly» در کتیبه پهلوی این برج نشان دهنده تلفظ دارای اماله است (نصراله زاده ۱۳۹۸: ۱۲۴/۱). البته «y» پایانی ممکن است مصوت مرکب «ay» را هم نشان دهد (ر.ک ذیل، بخش ج)، اما ما احتیاطاً آن را نشان دهنده مصوت ē پایانی در نظر می گیریم. املاي فوق بعید است که تقلید از خط عربی باشد، زیرا حداقل یکی از دو کلمه عربی دیگر متن، به احتمال بسیار زیاد تلفظی فتوحاتی را نشان می دهد: «mhmd» (که به احتمال بسیار زیاد نشان دهنده تلفظ فتوحاتی مَحْمَد است؛ ر.ک طبیب زاده ۱۴۰۰)؛ املاي پهلوی کلمه عربی دیگر کتیبه، «?mylwmmyn» (=امیر المومنین؛ مطابق استنساخ هرتسفلد ر.ک نصراله زاده ۱۳۹۸: ۵۰/۲)، نیز با صورت نوشتاری

۱۳ در دو مورد دو فعل «تری» و «اسری» (را در قافیه آورده و تلفظ آنها را با مصوت پایانی ē نشان داده است (۳۹۳، ۳۹۵)؛ در مورد دوم، آیه اول سوره اسراء را در مصراع دوم تضمین کرده؛ که ای بسا نشان دهنده قرائت مرسوم در محیط زندگی منوچهری باشد). این دو شاهد به جهت فعل بودنشان نمونه های بسیار مهمی هستند.

۱۴ فیرزویخس (همان) در ترجمه ماو به ماوآ تردید داشته (آن را با علامت سوالی نشان داده). به نظر نگارنده ترجمه او کاملاً صحیح است و «ای» که بعد از «ماو» آمده احتمالاً کسره اضافه را نشان می دهد.

این عنوان در عربی تفاوت دارد، و احتمال دارد که تلفظ فتوحاتی این عنوان را نشان دهد (در این مورد ر.ک طیب زاده همان). پس بحث تقلید از خط عربی در مورد این کتیبه منتفی است.

ج) **حفظ مصوت مرکب پایانی:** در این میان، حفظ مصوت مرکب پایانی، از دو تحول فوق برای ما مهم تر است. این ویژگی در گونه های عربی کلاسیک رایج نیست^{۱۵}. اطلاعات ما از تنوع گویشی عربی فتوحات زیاد نیست اما این ویژگی در شاخه مصری و شامی نیز هرگز دیده نشده است. با این حال شواهد کم تعداد اما بسیار مهمی در متون کهن فارسی، وجود این ویژگی را در بعضی لغات عربی دخیل نشان می دهد. این شواهد، در کنار گزارش سیبویه، قویاً احتمال وجود گونه ای از گویش های فتوحاتی را به عنوان منبع این تلفظ ها مطرح می کند، گونه ای که مصوت مرکب پایانی را حفظ کرده و همراه با فاتحان وارد ایران شده است. مهمترین شاهد برای این ویژگی در متون فارسی، قصیده «نوروز بزرگداشت به صحرا به مشک و می» از منوچهری است (۱۳۹۶، ۴۱۹). او در این قصیده با قوافی «می» (=شراب)، «می»، (= نام معشوقه ذوالرمة) «زی»، «حی» = (زنده) و... می گوید:

چون فقهه قنینه یکی زو فرو کنی کبک دری بخندد شبگیر تا ضحی

(۱۳۹۶: ۴۱۹)

در عربی کلاسیک معیار کلمه «ضحی» بدون تنوین، *ḍuhā* تلفظ می شود. منوچهری در همان قصیده، نینوی (در عربی کلاسیک معیار *naynawā*) را هم در قافیه آورده است که یعنی *naynaway* باید خوانده شود (دو شاهد دیگر را ببینید در عیدگاه طریقه ای ۱۳۹۹: ۵۷۶). گفتنی است که منوچهری تنها در قوافی همین قصیده این گونه کلمات را با مصوت مرکب پایانی استفاده کرده و در قوافی قصاید دیگر (که مثال هایی از آن ها در بخش قبل آمد) مصوت ساده «*h*» را برای این گونه کلمات به کار برده است. شاید بتوان علت این امر را چنین توجیه کرد که در زبان ادبی دوره منوچهری، تلفظ این کلمات با مصوت مرکب پایانی نافصیح و عامیانه نبوده، اما تحت تاثیر سلطه گونه های عربی کلاسیک در حال کنار گذاشته شدن بوده است. اگر چنین باشد، مؤید فرض فتوحاتی بودن این تلفظ هاست، زیرا با سلطه عربی کلاسیک، صورت های فتوحاتی منطقاً باید نافصیح تلقی شود و به مرور از زبان ادبی حذف شود.

نتیجه گیری

در این مقاله با بررسی شواهد اماله پایانی در متون کهن فارسی، و مقایسه آن ها با برخی گویش های

۱۵ از اختصار گزارش سیبویه (همان، ۱۸۱، ۲۵۶) می شود حدس زد که این ویژگی کثرت زیادی در گویش های عربی نداشته است. اگرچه او از شاذ یا نافصیح بودن این ویژگی سخنی نگفته است اما نبود این ویژگی در هیچ یک از منابع دیگر عربی کلاسیک، می تواند ما را به غیر کلاسیک دانستن آن، و در نظر گرفتن آن به عنوان ویژگی بعضی گویش های عربی اسلامی متقدم ترغیب کند.

تاریخی عربی نتیجه گرفتیم که کلمات دارای اماله پایانی در متون کهن فارسی احتمالاً از طریق یکی از گونه‌های گویش عربی فتوحات اسلامی وارد فارسی شده است. این گونه که آن را بنابر تقسیم‌بندی جغرافیایی «شاخه ایرانی عربی فتوحات» نامیده‌ایم، در زمینه اماله پایانی، شباهت بسیار زیادی با گویش‌های فتوحاتی شام و مصر دارد که در اسناد اداری یونانی و قبطی بین قرون ۱ تا ۴ ه.ق. منعکس شده است. با این حال گونه‌هایی از عربی کلاسیک که دارای اماله هستند در حفظ کاربرد لغات دارای اماله دخیل از عربی فتوحات، نقش بسیار زیادی داشته‌اند. همچنین مقایسه برخی شواهد در متون کهن فارسی با توصیفات سیبویه از بعضی گویش‌های عربی متقدم اسلامی نشان می‌دهد که در شاخه ایرانی عربی فتوحات گونه‌هایی وجود داشته که مصوت مرکب عربی آغازینی را در پایان کلمه ساده نمی‌کرده‌اند و وضعیتی مشابه با بعضی گویش‌ها مثل کتیبه‌های صفائی و گویش‌های توصیف شده توسط سیبویه داشته‌اند.

منابع

- السیبویه، ابو بشر عمرو بن عثمان بن قنبر. (۱۹۸۲ م). الکتاب، تحقیق و شرح عبد السلام محمد هارون. جزء ۴، الطبعة الثانية، القاهرة، مكتبة الخانجي.
- انوری ایبوردی (۱۳۶۴). دیوان انوری، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، دو جلد، چاپ سوم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- طیب‌زاده، آریا. (۱۴۰۰). تقابل بین عربی فتوحات و عربی کلاسیک در متون متقدم فارسی، در پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی.
- ظهير فاریابی (۱۳۸۱). دیوان ظهير فاریابی، تصحیح امیرحسین یزدگردی، به کوشش اصغر دادبه، تهران، قطره.
- عیدگاه طرهبه‌ای، وحید. (۱۳۹۹). تلفظ در شعر کهن فارسی، تهران، انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن.
- فیروزبخش، پژمان (۱۳۹۰). «یک فهلوی نویافته از گوینده‌ای به نام مرشد سیمینه و چند بیت نویافته از شعرای متقدم فارسی»، گزارش میراث، دوره دوم، سال ۵، شماره ۴۵، ص ۴۱-۴۳.
- کسایبی مروزی (۱۳۷۵). کسایبی مروزی، زندگی، اندیشه و شعرا، تألیف و تحقیق محمد امین ریاحی، تهران، انتشارات علمی.
- منوچهری دامغانی (۱۳۹۶) تصحیح دیوان منوچهری دامغانی و شرح مشکلات آن (رساله دکتری)، راضیه آبادیان، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ناصر خسرو (۱۳۵۷). دیوان اشعار حکیم ناصر خسرو قبادیانی، به اهتمام مجتبی مینوی و مهدی محقق، دو جلد، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مگ‌گیل.
- نصراله‌زاده، سیروس (۱۳۹۸). کتیبه‌های خصوصی فارسی میانه ساسانی و پس‌اساسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Leiden-Boston, Brill.

ibid. (2017). The Arabic of the Islamic conquests: notes on phonology and morphology based on the Greek transcriptions from the first Islamic century,

In *the Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 80, 3, pp. 419-439

ibid. (2018). The Arabic of Petra, in *The Petra Papyri*, V, A. Arjava, J. Frösner, J.

Kaimo (eds.). Amman: American center of oriental research publications, p.

35-58.

ibid. (2020). A Manual of the Historical Grammar of Arabic (unpublished book),

https://www.academia.edu/38100372/Al_Jallad_A_Manual_of_the_Historical_Grammar_of_Arabic.

Al-Jallad, A. & Vollandt, R (2020). *The Damascus Psalm Fragment*; Middle Arabic

and the Legacy of Old Hijāzi. Chicago: Oriental Institute of the University of

Chicago.

Birnstiel, D. (2019). "Classical Arabic", *the Semitic Languages*, eds. John Huehnergard and

Na'ama Pat-El, Routledge.

Rabin, C. (1951). *Ancient West Arabian* London, Taylor's foreign press.

Sarauw, C. (2007). Imalah, in Versteegh, K. (ed.), *the Encyclopedia of Arabic*

Language and Linguistics. 5 vols, Leiden, Brill academic pub. Vol. 4, pp. 311-315.

Stokes, P. "In the middle of what? A fresh analysis of the language attested in the

Judeo-Arabic commentary on *pirqê 'āwōt* (the sayings of the fathers), Middle

Arabic and implications for the stufe of Arabic linguistic history. *Semitic*

Studies, 66 (2), pp. 379-411.

Van Putten, M. (2017). The development of the triphthongs in Quranic and

Classical Arabic, in *Arabian Epigraphic Notes*3, Leiden University, pp. 47-74.

ibid. (2021a). Copto-Arabica: The Phonology of Early Islamic Arabic Based on

Coptic Transcriptions, in *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen*

Gesellschaft Vol. 171, No. 1, pp. 81-100

ibid. (2021b). *Madd* as Orthoepy rather than orthography, *Journal of Islamic*

Manuscripts, 12, pp. 202-213.

ibid. (2022). *Quranic Arabic, from its Hijazi Origins to its Classical Reading*

Traditions, Brill.

Ф. Абдуллаева. (2001). Толкование Корана (Лакхорский Тафсир), Москва,

Издательская фирма «Восточная литература», РАН.